

رقص میان هستی و نیستی

«هستی و نیستی» برای فیلسوف و عارف دو معنای مختلف دارد. فیلسوف تماشاچی وجود است و به دنبال دانایی وجود است. فلسفه با حیرت شروع می‌شود و فیلسوف در این دانایی در پی رفع آن حیرت است. اما عارف از وجود خویش به عدم می‌گریزد تا وجود یابد و دارای وجود شود نه دانایی آن. با وجود می‌اندیشد نه به وجود حیرت را می‌طلبد که غایت عرفان است این حیرت ترجمان عشق است، یعنی رقص بین هستی و نیستی. کتاب «هستی و عشق و نیستی» برای اولین بار در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران رونمایی شد. این کتاب مجموعه مقالاتی در باب عرفان است که عرفان اسلامی را از دیدگاه عرفانی چون «ابن عربی»، «مولانا»، «حافظ»، «شیخ محمود شبستری»، «علاءالدوله سمنانی»، «شیخ بهایی» و «ملاصدرا» واکاوی می‌کند و به عرفان مقایسه‌ای نیز سری می‌زند. کتاب «هستی و عشق و نیستی» در شش فصل اصلی با عناوین «هستی و وحدت آن با محوریت ابن عربی»، «هستی و کارکرد آن به روایت مولانا»، «عشق یا رقص بین هستی و نیستی در معیت حافظ»، «سرشت تجربه عرفانی از منظر عقل در محضر شبستری»، «بررسی نسبت بین دین و عرفان به فتوای شیخ بهایی» و «گفتوگوی باطنی اسلام و مسیحیت با تکیه بر ابن عربی و اکهارت» تنظیم شده است. فصل اول که حاوی سه مقاله است، به وجود و وحدت وجود اختصاص دارد. مقاله اول با نگاهی مقایسه‌ای به وحدت افاقی وجود می‌پردازد و فرقی وجود از نظر فلسفه و وجود از نظر عرفان را واکاوی و انحصار وجود در خداوند را بررسی می‌کند. مقاله دوم به برهانی بودن یا نبودن دیدگاه وحدت وجود می‌پردازد و دیدگاه ابن عربی و ملاصدرا را با هم مقایسه می‌کند و مقاله سوم به تفاوت وحدت وجود و وحدت شهود می‌پردازد و اختلاف بین ابن عربی و علاءالدوله سمنانی را در این باب به داوری می‌نشیند. فصل دوم که به وحدت انفسی وجود و فتای عارف یعنی «نیستی» اختصاص دارد نیز شامل سه مقاله است. مقاله اول به بررسی یک بیت مشهور مثنوی در باب وحدت وجود می‌پردازد و رابطه این نظریه را با معنای عدم و نیستی از دیدگاه مولوی بیان می‌کند. مقاله دوم معنای نیستی را از دیدگاه دو عارف بزرگ شرق و غرب، مولوی و اکهارت، مورد کاوش قرار می‌دهد و مقاله سوم به کارکردها و لوازم نیستی از نگاه مولوی می‌پردازد. در فصل سوم، طی پنج مقاله، نیستی مولوی به عشق می‌انجامد. لفظ عشق، نگاهی فلسفی به عشق، جایگاه حافظ در عرفان و عشق از منظر حافظ بررسی شده‌اند. در نهایت اما مقاله پنجم نه یک مقاله علمی بلکه دلنوشته‌ای است برای شهید حبیب

روزی طلب که واسطه شده بود تا کاکایی شاگرد آیت‌الله نجابت شود و خود در عملیات محرم در نپه‌های شرفانی به شهادت رسیده بود. فصل چهارم، نگاهی در چه دوم به عرفان دارد و به نوعی فلسفه عرفان محسوب می‌شود که دو مقاله را در بر دارد. در اولی نگاهی پدیدارشناسانه به عرفان از منظر شیخ محمود شبستری مطرح شده است و در دومی سرشت تجربه عرفانی و تجربه دینی و ملاک‌های بازشناسی آنها از دیدگاه ابن عربی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل پنجم نیز شامل دو مقاله است که عرفان را از دیدگاه دین بررسی می‌کند. در مقاله اول به نسبت میان عرفان و اسلام پرداخته شده و در مقاله دوم دیدگاه شیخ بهایی به عنوان یکی از بزرگترین فقها، به عرفان مورد بحث قرار گرفته است. فصل ششم و پایانی کتاب نیز به گفتگوی اسلام و مسیحیت به وساطت عرفان می‌پردازد. کاکایی در این فصل به طور خاص با رویکردی مقایسه‌ای و تطبیقی به موضوع موردنظر خود پرداخته است که شامل سه مقاله می‌شود. وی در مقاله نخست به قرآن و کتاب مقدس پرداخته و توحید افعالی را از دیدگاه این دو کتاب مقدس بررسی می‌کند. مقاله دوم به مقایسه عرفان ابن عربی و مایستر اکهارت به عنوان دو عارف اهل کتاب می‌پردازد و مقاله سوم امکان گفتگوی اسلام و مسیحیت را از دیدگاه این دو عارف بررسی می‌کند. قاسم کاکایی، مدرس حوزه و دانشگاه و از پژوهشگران مطرح حوزه عرفان و فلسفه است. وی تاکنون کتاب‌های فراوانی در حوزه‌های پژوهشی مورد علاقه خود، یعنی فلسفه عرفان و کلام اسلامی، به رشته تحریر در آورده است که از جمله آنها می‌توان به «وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت»، «آیت حق» و «کلمه حق: شرح احوال حضرت آیت‌الله نجابت» اشاره کرد. کتاب «وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستر اکهارت» در سال ۸۲ و کتاب «غیاب‌الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان» در سال ۸۸، به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برگزیده شده است. کاکایی همچنین به دلیل تسلط بر زبان انگلیسی، چند کتاب از جمله «اقتدا به محمد(ص)» و «عوالم خیال» را نام برد. از این پژوهشگر دینی، تاکنون بیش از ۵۰ مقاله تخصصی به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر شده است. قاسم کاکایی در اردیبهشت‌ماه امسال موفق به کسب مرتبه استادی شد. وی علاوه بر شرکت در همایش‌های بین‌المللی داخلی، در دانشگاه‌هایی همچون نیویورک، آکسفورد، کمبریج، لندن، وین، برلین، ناپل، آتن، استنبول، دمشق و باکو به ارائه مقاله پرداخته و به صورت فشرده در دانشگاه‌های کارولینای شمالی و کالج اسلامی جاکارتا تدریس داشته است.